

# نوروز، نماد ایستادگی و پیروزی

## آثار حکیمه

در بیش تر از مناطق جغرافیای نوروز، به ویژه خراسان/افغانستان زمستان فصل سرد و سختی است. وقتی این فصلی از سال به پایان نزدیک می شود، هوای نوید بخش بهار بر تن درختان و تپه های خاکی و کوه های سرسخت هندوکش و دامنه های آن می وزد. زمین و زما، دره ها و سخره ها به رستاخیز بهار می پیوندند، درختان شگوفه می دهند، با کنار رفتن دامن سپید برف از دامنه های کوه، جوانه های سبزه و گل های بهاری، رخ از نقاب بر می کشند و نرم نرمک نوروز بر جان و تن شان می دمد و بهار همان رستاخیز طبیعت و این فصل لبخند خدا بر زمین، فراگیر می شود.

این دگرگونی طبیعت، به قول سعدی همه را عاشق و دلباخته می کند. آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار- هر گیاهی که به نوروز نجنبند حطب است.

در میان مردمان حوزه نوروز که گروه های قومی مختلفی اند، اصل نوروز یگانه و شبیه هم برگزار می شود، اما جزئیات برگزاری آن تفاوت هایی دارد. در میان تاجیک های خراسان نوروز مردمی ترین جشن است.

چند روز مانده به نوروز، کودکان و نوجوانان روستاها به جستجوی گل نوروزی می روند. این گل زرد رنگ پیش از هر گل و گیاهی دیگر به خوش آمدگویی نوروز می برآید. در کنار گل سرخ (لاله) که نماد نوروز در سرزمین ما به ویژه بلخ است، گل نوروزی نیز نماد و نوید دهنده نوروز است. نوجوانی که این گل را می یابد، چنان خوشحال می شود که گویی گنجی را یافته است.

با یافتن گل نوروزی، نوجوانان روستا گرد هم جمع شده و گلی را که با گل اطراف آن برکنده اند با خود داشته و شب هنگام به درب خانه های هم روستایی های خود رفته و ترانه نوروزی می خوانند و هدیه نوروزی دریافت می کنند. شرط دادن هدیه هم دیدن روی گل نوروزی است.

بانوان به ویژه دختران جوان، از هفته ها پیش برای رسیدن نوروز آمادگی می گیرند. لباس نو تهیه می کنند، سمنک یا سمنو آماده می کنند، هفت میوه و غذاهای ویژه نوروزی می پزند، خانه های شان را تمیز می کنند و گرد و غبار کهنگی و ناپاکی را از روی لباس، ظرف، دیوار و در و پنجره های خانه و دل و دماغ خود می زدایند و برنامه های گروهی گردش در دامنه های روستا را می ریزند. مردم از شهرها به دامن طبیعت رفته و با شادمانی و تفریح می پردازند.

در شب نوروز عمدتاً خانواده ها گرد هم می آیند و همه اعضای خانواده در یک محل عمدتاً نزد پدر و مادر جمع می شوند و نان شب را با هم می خورند. بر سر سفره شب نوروز، غذای ویژه آماده است که بخش اصلی آن برنج و سبزی می باشد. همه دور سفره نان شب نوروز گرد هم آمده، بزرگ خانواده (پدر بزرگ یا مادر بزرگ)، با دعای خیر و آرزوی سال خوب برای اعضای خانواده و دعا به

روح رفتگان، به تقسیم غذا آغاز می‌کند.

صبح روز نوروز، جوانان و کودکان به عیادت بزرگ سالان می‌روند و نوروز و سال نور را تبریک می‌گویند، بزرگسالان (پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها) به کودکان، نوجوانان و تازه عروس‌ها مقداری پول به عنوان نوروزی تحفه می‌دهند. پسران نامزد به خانه‌ی همسر آینده‌شان تحفه نوروزی که شامل لباس و غذا است، می‌برند. این گونه نوروز به قدردانی از هم و همبستگی خانواده‌ها نیز کمک می‌کند. کسانی که از هم دلخور اند، روز نوروز باید با هم آشتی کنند و رفتن به مزار درگذشته‌ها و یادکردن و خواندن دعا به روح آن‌ها نیز بخشی از رسم نوروز است. باور بر این است که در روز نوروز هرکاری که انجام دهی تا پایان سال تکرار می‌شود، برای همین همه کوشش می‌کنند کار خوبی انجام دهند و شاد باشند تا خوبی و شادی فراگیر شود.

این گونه است که نوروز بی هیچ دلیل و برهانی، بر همه چیز و همه کس مستولی می‌شود، فراگیر می‌شود و هوای همگان را تازه می‌کند و فارغ از هر تعلق بر همه یک سان شادی به بار می‌آورد.

نوروز، این رسم کهن و ریشه دار طی هزاران سال از پس همه زمستان‌های سرد طبیعی و ایدیولوژیک پیروزمندانه به در آمده و در این حوزه‌ی تمدنی، در نظام‌های مختلف پاس داشته شده و امروز به عنوان میراث غیر ملموس جهانی، برای همه محترم است.

پیام این جشن در کنار مهرورزی، زیباپسندی، پاک‌ی، دوست‌داشتن و شکرگزاری، ایستادگی و پیروزی نیز است. نوروز به ما آموخته و می‌آموزد که هیچ زمستانی با همه سختی و سردی اش همیشگی و پایدار نیست.

اما در کنار پاسداری از این جشن، دشمنان نوروز نیز همواره تلاش کرده اند تا بزرگ‌داشت و تجلیل از این جشن را در زادگاه و سرزمین نوروز، خراسان/افغانستان کم رنگ سازند.

به روایت تاریخ، ممانعت از بزرگ‌داشت نوروز در درازای عمر - حدوداً - سه هزار ساله اش در افغانستان امروزی، برای نخستین بار در زمان طالبان صورت گرفت.

طالبان که در سال ۱۳۷۵ بر کابل مسلط شدند، بزرگ‌داشت از جشن نوروز را در مناطق زیر سلطه‌ی خود حرام خواندند و از هر گونه شادی و شادمانی در این روز، جلوگیری نمودند.

نوروز که جشن ملی مردم افغانستان و آغاز سال خورشیدی است، طالبان با حرام اعلام کردن آن در زمان تسلط خود، تاریخ خورشیدی را که تاریخ رسمی افغانستان در زمان‌های گذشته و امروز است، به تاریخ قمری تغییر دادند. این گروه در دور نخست سلطه‌شان علاوه بر نوروز، تمام جشن‌های فرهنگی و مدنی غیر پشتون‌ها را در مناطق زیر اداره‌ی خود تحریم کرده بودند.

اما پس از سقوط حاکمیت طالبان و با روی کار آمدن نظام جمهوری، جشن نوروز در خراسان/افغانستان، همه ساله به عنوان جشن رسمی بزرگ‌داشت می‌شد. این جشن در همه شهرها به ویژه بلخ که به عنوان خاستگاه و محل رسمی برگزاری این جشن شناخته می‌شود، با شکوه تمام بزرگ‌داشت می‌شد.

حالا با حاکم ساختن دوباره طالبان بر خراسان/افغانستان، این گروه نیز به صورت رسمی بزرگ‌داشت از نوروز را حرام دانسته و هرگونه تجلیل و شادمانی در این روز را ممنوع اعلان کرده است. حتا در دستوری که وزارت این رژیم به ملاهای مساجد ابلاغ کرده است تا در روز نوروز در موعظه‌های شان بگویند، آمده است که جشن نوروز متعلق به فارسی زبانان بوده و هرگونه بزرگ‌داشت از آن ممنوع است.

از نظر گروه طالبان، نوروز جشن پیش از اسلام است و بنا بر این نباید تجلیل شود، در حالی که در درازای بیش از ۱۰۰۰ سال تاریخ اسلام در افغانستان، حکومت‌های اسلامی نه تنها که تجلیل از نوروز را مانع نشدند، بل که آن را به صورت با شکوه گرامی می‌داشتند.

در جغرافیای نوروز، مردمانی با باورها و تعلقات قومی گوناگون اما مشترکات فرهنگی زیست دارند. آن‌ها نوروز را فارغ از دین و ایدیولوژی، به عنوان یک جشن فرهنگی و مردمی همه ساله به شیوه‌های خود تجلیل می‌کنند. چنان که در طول هزاران سال، حاکمیت‌هایی متعدد از ادیان و اقوام مختلف بر این سرزمین‌ها حاکم و ساقط شدند، اما نوروز همواره ادامه یافته و حضور داشته است.

همین گونه در سراسر تاریخ، برای تبیین رفتار افراد و گروه‌ها به نیک و بد، خط روشنی ترسیم شده است که باور و رفتار انسان‌ها را متناسب به آن اندازه گیری کرده اند. به بیان دیگر برای تفکیک خوبی از بدی و زشتی از زیبایی، راهی و رسمی پیشاپیش روی بشر گذاشته شده است تا کورسویی باشد که راه گم نشود. برای تشخیص افکار و رفتار طالب، در کنار اعمال غیر انسانی بی‌شمار این گروه چون کشتار بی‌گناهان، دشمنی با زن، خشونت و جهل، دشمنی با هنر و فرهنگ، دشمنی با زبان و فرهنگ فارسی، دشمنی با این جشن زیبا نیز، می‌رساند که این گروه اهریمن‌صفت، چقدر با انسانیت، با خوبی، با زیبایی، با شادی و مدنیت، ستیز آشتی ناپذیری دارد. گروهی که حضور و تداوم سلطه اش، بالای جان مردم و فرهنگ ما خواهد بود.

اکنون نوروز تن‌ها یک جشن فرهنگی نه، بلکه یک هویت و نماد ایستادگی در برابر جهل، تروریزم، زن‌ستیزی و ایستادگی در برابر خشونت و حذف است. گرامی داشت از آن، رسالت هر انسان آزاده و باورمند به آزادی و انسانیت است.

به امید این که مردم ما به عمق فاجعه‌ی حضور طالب پی ببرند و برای پاس داشت از فرهنگ، هویت و داشته‌های شان آگاه شوند.

روح شهدای ایستادگی در برابر تروریسم شاد. برای رزمندگان مرد و زن در برابر تروریسم، آرزوی پیروزی، برای میهن آزادی و آبادی و برای سیاست‌ورزان شرف و هوشیاری تمنا دارم. سال پیش رو را سال آزادی مردم و سرزمینم آرزو می‌کنم.